

بسته‌های دانا، بویا مانا است

گفت و گو با دکتر اکرم منتظر الظهور - رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت تعاونی کارآفرینان غزال هفت اورنگ مانا



اشاره:

با دکتر منتظر الظهور در مرکز مشاوره ایشان گفت و گوی انجام دادیم. وی که عنوان نخستین موسس مرکز مشاوره در استان اصفهان را به همراه دارد، در این مصاحبه از مشکلات و مصائبی که در سال‌های نخستین فعالیت به عنوان مشاور متحمل شده سخن می‌گوید که شاید اگر فرد دیگری با آن مواجه می‌شد؛ ترجیح می‌داد مشاوره را ترک کند! وی معتقد است: با امید آغاز کردیم؛ پویایی، نوآوری و پژوهش را باور داریم و با ایمان به توانایی خویش، زانی گردآمده‌اند تا گام‌های بلند به سوی آینده بردارند.

شاید بر اساس این اعتقاد قلبی است که برخورد نه چندان مناسب مردم در مقابل مشاوره روان‌شناسی، دغدغه‌های مالی، آشنا نبودن با قوانین و مقررات و به گفته خودش «دشواری‌های خاص زنان کارآفرین» را بهای کسب آگاهی و کسب تجربه می‌داند.

دکتر منتظر الظهور، موسس اولین مرکز مشاوره استان اصفهان را بیشتر معرفی کنید.

متولد ۱۳۲۵ در تجریش هستم. دوران دبستان و دبیرستان را در تهران سپری کردم، در ۱۵ سالگی به دلیل بازنشستگی پدرم به اصفهان مهاجرت کردم. دوره پایان دبیرستان را در اصفهان گذراندم و دیپلم طبیعی گرفتم. در دانشگاه رشته بهداشت را ادامه دادم و به دلیل علاقه به مباحث روان‌شناسی و علوم تربیتی به طور همزمان در رشته‌های بهداشت و علوم اجتماعی موفق به اخذ مدرک کارشناسی از دانشگاه اصفهان شدم، دوران تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد علوم تربیتی همین دانشگاه سپری شد و دوره دکتری روان‌شناسی تربیتی را در تهران به پایان رساندم.

در طول سال‌های نوجوانی به دلیل مقتضیات و شرایط موجود در سن ۱۵ سالگی ازدواج کردم و تمام دوران دبیرستان و دانشگاه را همراه همسرم ادامه تحصیل دادیم. پایه‌های رشد و تربیت فرزندانم به پرورش فکر و فعالیت‌های اجتماعی خودم پرداختم. معتقدم خداوند در من نیرویی قرار داده که باعث شد همراه با برنامه‌ریزی تحصیلی و شغلی از تربیت فرزندانم غافل نشوم زیرا مسئولیت خانه و پیگیری مسائل فرزندانم به دلیل شغل دشوار و سنگین همسر بر عهده من قرار داشت. همراه با فرزندانم رشد کردم. آنها به مدرسه می‌رفتند و من

به دانشگاه و کار می‌پرداختم.

چگونه وارد مقوله کارآفرینی شدید؟

به اقتضای رشته تحصیلی‌ام توانستم پس از اخذ مجوز در سال ۱۳۷۳ نخستین مرکز مشاوره غیردولتی را در اصفهان تأسیس کنم. به دلیل فعالیت در حوزه‌های آسیب‌اجتماعی، همیشه به این مطلب فکر می‌کردم که چرا هزینه‌های گزافی در درمان صورت می‌گیرد اما به پیشگیری که به مراتب ارزاتر است، توجهی نشان نمی‌دهیم؟ برای مثال جوانی که به دلیل بیکاری بی‌انگیزه و افسرده شده و به مواد مخدر و اعتیاد روی آورده است پس از مشاوره با روان‌شناس، روان‌پزشک و مددکار درمان می‌شود اما پس از چند ماه باز هم در فضای بیکاری قرار خواهد گرفت و به اعتیاد روی خواهد آورد. این فکر دغدغه‌ای برایم ایجاد کرد که راهکارهای پیشگیری از اعتیاد و سایر آسیب‌های اجتماعی را مورد بررسی قرار دهم به همین دلیل اولین دوره‌های مهارت‌های خودشناسی و خودباوری را در اصفهان برگزار کردم.

در سال ۱۳۸۳ در حین مطالعه روزنامه، متوجه تشکیل انجمن زنان مدیر کارآفرین شدم، پس از اینکه به تهران آمدم به همراه برخی از دوستانم در این انجمن تصمیم گرفتیم مجتمع‌های کارآفرینی را برای جوانان (به خصوص برای زنانی که اغلب از ظرفیت‌ها و توانمندی خود آگاهی ندارند) راه‌اندازی کنیم.

با همراهی یک گروه متخصص و علاقه‌مند شرکت تعاونی کارآفرینان غزال هفت اورنگ مانا را تشکیل دادیم و به ثبت رساندیم. در حال حاضر فاز اول فعالیت را از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ تعریف کرده‌ام. همچنین ۱۴ شرکت تعاونی کارآفرینی با رشته‌های مختلف را به ثبت خواهیم رساند. البته این مراکز مختص زنان نیست اما بیشترین تأکید و توجه بر روی فعالیت‌های زنان قرار دارد.

به سال ۱۳۷۳ بازگردیم. در شهر اصفهان و دیدگاه‌های اغلب سنتی آن زمان، جامعه ظرفیت و آمادگی پذیرش ایجاد یک مرکز مشاوره روان‌شناسی آن هم توسط یک زن را داشت؟ همان طور که بهتر می‌دانید متأسفانه در جامعه تصور می‌شود مرکز مشاوره مختص افرادی است که از بیماری‌های شدید و مزمن روانی رنج می‌برند. با این مشکلات چگونه خود را تطبیق دادید؟

اولین مانع موجود، نگرش مسئولین و مدیران کلان به مقوله مشاوره و روان‌شناسی بود. تصمیم داشتم این بحث را وارد کارخانجات بزرگ صنعتی اصفهان مانند ذوب‌آهن یا فولاد مبارکه نمایم که پتانسیل‌های قابل توجهی از نظر نیروی انسانی دارند. اما متأسفانه همان طور که اشاره کردید این باور وجود داشت که اصلاً ضرورت مرکز مشاوره چیست؟! حتی وقتی با مدیران ارشد استان در مورد

این موضوع جلسات متعددی برگزار و موضوع اهداف را تشریح کردم و یادآور شدم که اساساً توسعه جوامع به توسعه انسان‌ها بستگی دارد و در کشورهایی که مفهوم توسعه شکل عینی به خود گرفته؛ منابع انسانی را به معنای واقع بینانه مورد بررسی قرار دادند و سپس توانستند از این ذخایر منابع انسانی در جهت رشد و توسعه بهره‌مند شوند؛ با دشواری‌های زیادی روبرو بودم. حتی در اوایل کار اجازه نداشتم به روی درب اتاق عنوان «روان‌شناسی و مشاور» را نصب کنم زیرا تصور عموم بر این بود که بیماران روانی به مشاور مراجعه می‌کنند!

به مرور زمان با حوصله، صبوری و آگاه‌سازی و برگزاری کلاس‌های عمومی و هزینه بسیار اندک، شرایط تغییر کرد و پس از ۵-۴ سال این نگرش به نحوی شد که در حال حاضر در اصفهان مراکز متعدد مشاوره و روان‌شناسی تأسیس شده است. این باور به وجود آمده که بسیاری از ما بدون آنکه بیمار روانی باشیم برای پیشگیری از مشکلات نیازمند مشاوره هستیم.

نکته دیگر این که بسیاری تصور می‌کنند روان‌شناسی و مشاوره ریشه در مباحث غربی و بیگانه دارد، در حالی که از اساس دین اسلام و دستورات پیامبر(ص) است که در مورد مسائل مختلف از متخصصین آن امر مشورت بگیرید. در مورد انسان، خانواده، جوانان، رفتار با کودک و

نوجوان نیز باید از مشاوره بهره گرفت. به لطف خدا در حال حاضر نگرش ها به سمت و سویی پیش رفته که بسیاری از سازمان‌ها و ادارات مختلف برای برگزاری دوره های آموزش‌های به ما مراجعه می کنند. این مطلب برای من به عنوان فردی که بحث منابع انسانی را به عنوان سرمایه اصلی می‌دانم و معتقدم در فرهنگ‌سازی و کار زیربنایی باید هدفمند، جامعه‌نگر و صبور باشیم؛ بسیار ارزشمند و مقدس است. در ابتدای کار ایمان داشتم که هیچ تغییر و تحولی یک شبه به وجود نمی آید پس باید صبر کنم تا به تدریج نگرش جامعه نسبت به مقوله مشاوره مثبت شود و این اتفاق هم افتاد.

پس صبر شما زیاد است، زیرا ۵-۴ سال مدت زمان اندکی نیست!

۴-۵ سال حداقل زمانی بود که اعلام کردم! همیشه در پاسخ به سوال اطرافیانم که چرا هیچگاه نا امید نمی شوم؛ می گویم: به دو دلیل هرگز نا امید نمی شوم یکی مفهوم نام خانوادگی‌ام که منتظرالظهور است. فردی که منتظر ظهور منجی و عادل است باید صبور و مقاوم باشد. دومین مساله این که وقتی می‌خواهید مساله ای را نفی کنید باید در اندیشه ایجاد جایگزین بهتر باشید. به عنوان مثال اگر می‌خواهید ریشه‌های یک درخت فرسوده را از خاک جدا کنید باید به کاشت یک نهال جایگزین، فکر کنید و اینکه چه مدت به طول انجامیده که آن درخت رشد کند. به طور کلی حرکت‌های فرهنگی نباید به فرد خاصی وابسته باشد. باید تک تک مردم را به این بینش رهنمون کنیم که ناجی در وجود خودشان است و در نهایت باید به شکل گروهی درآیند تا حرکتی به ثمر برسد.

راه اندازی یک مرکز مشاوره منحصر به آگاهی و تسلط بر دانش روان شناسی نیست زیرا به عنوان مدیر این مرکز باید از قوانین و مقررات اداره یک واحد اقتصادی آشنایی پیدا می کردید. تا چه میزان این قوانین و مقررات را می شناختید؟

از ابتدا با قوانین آشنایی نداشتم زیرا تا پیش از راه اندازی مرکز مشاوره، سابقه تدریس در دانشگاه را داشتم و بسیار ساده وارد کار شدم اما نامالیامت زیادی دیدم. به خاطر دارم نخستین سال راه اندازی مرکز مشاوره، ۴ میلیون تومان مالیات برایم در نظر گرفتند زیرا مشاوره در آن سال ها ناشناخته بود و جامعه آمادگی پذیرش آن را نداشت.

در چند سال ابتدای فعالیت برایم سخت بود و حتی با ضرر و زیان مالی هم مواجه شدم اما تمام نامالیامات و سختی ها را بهای کسب آگاهی و کسب تجربه می دانستم و همین امر باعث می شد سختی ها و نامالیامات را تحمل کنم. به تدریج و در حین کار با قوانین و مقررات آشنا شدم و شرایط برایم آسان تر به نظر می رسد. برای مثال وقتی به مدیر کل دارایی استان اصفهان زمینه فعالیت را تشریح و ضرورت و حساسیت آن را بیان کردم، بخشودگی های مالیاتی برایم در نظر گرفت و حتی از من درخواست کرد دوره های آموزشی بهداشت روان (به خصوص برای زنان کارمند) برای کارکنان اداره کل امور اقتصاد استان اصفهان برگزار نماید. به تدریج با مسائل حقوقی و قانونی آشنا شدم

و گاهی از اطرافیان که با مسائل حقوق آشنایی داشتند مشورت می گرفتم.

در ابتدا مرکز مشاوره تحت پوشش نهاد یا سازمان خاصی بود؟

در ابتدا تحت پوشش سازمان ملی جوانان بود و به مرور که فعالیت هایم توسعه یافت به طور مستقل کارم را ادامه دادم. یکی از راهکارهایی که به جهت توسعه و اشاعه فعالیت مشاوره به ذهنم خطور کرده بود این بود که سعی داشتم در تمام انجمن های مرتبط با روان شناسی مثل انجمن روانپزشکی

مصمم شدم دفتری در تهران راه اندازی کنم و حدود ۳ سال است که دفتر مشاوره را در تهران تأسیس کرده ام. روزهای تأسیس این دفتر به سختی و دشواری مرکز اصفهان نبود زیرا تجارب ارزشمندی را به همراه داشتم. البته سال اول برای اخذ مجوز با مشکلاتی مواجه شدم اما پس از مدتی تمام کارها روال عادی و طبیعی پیدا کرد. در حال حاضر هم در مدارس، ادارات و شرکت های مختلف به برگزاری دوره های آموزشی و مشاوره روان شناسی می پردازم.

سرمایه ارزشمندی که همیشه همراه است و آن را مدیون پدرم هستم؛ اعتماد به نفس و عزت نفس است. پدرم در برخورد هایش میان فرزندان دختر و پسر هیچ گونه تبعیض و تفاوتی قائل نمی شد و معتقد بود که انسان باید "رشد" باشد. در زمان کودکی متوجه مفهوم این کلمه نمی شدم اما در نوجوانی و مراحل بعدی متوجه شدم رشد بودن یعنی خودباوری، داشتن اعتماد به نفس و تشخیص قلمروهای توانمندی شخصی. این سرمایه همیشه به من احساس رشادت و حرکت می داد

فعالیت های شما به عنوان یک زن کارآفرین تا چه میزان با همراهی و مساعدت خانواده همراه بود؟

سرمایه ارزشمندی که همیشه همراه است و آن را مدیون پدرم هستم؛ اعتماد به نفس و عزت نفس است. پدرم در برخورد هایش میان فرزندان دختر و پسر هیچ گونه تبعیض و تفاوتی قائل نمی شد و معتقد بود که انسان باید "رشد" باشد. در زمان کودکی متوجه مفهوم این کلمه نمی شدم اما در نوجوانی و مراحل بعدی متوجه شدم رشد بودن یعنی خودباوری، داشتن اعتماد به نفس و تشخیص قلمروهای توانمندی شخصی. این سرمایه همیشه به من احساس رشادت و حرکت می داد.

در زندگی مشترک هم باید بگویم، در بسیاری از زمینه های شغلی و تحصیلاتی مکمل یکدیگر بودیم. ولی همسرم به دلیل مشغله و مسئولیت کاری فراوان در منزل حضور کمتری داشت اما من آزاد بودم که فعالیت هایی اجتماعی خود را سامان دهی کنم. اما در سال های دشواری که وارد بحث مشاوره شدم به عنوان مانع عمل کرد اما سیاستگذار وی هستم ! زیرا اگر موانع را ایجاد نمی کرد هرگز به توانمندیهایم پی نمی بردم و در یک سطح از فعالیت باقی می ماندم.. گاهی مخالفت‌های وی باعث شد توانایی های خود را بیشتر باور پیدا کنم و آنها را توسعه دهم.

در حال حاضر جامعه تا چه میزان بستر و شرایط را برای زنان کارآفرین مهیا می کند؟ آیا میان زنان کارآفرین و مردان کارآفرین تبعیض وجود دارد یا شرایط برای هر دو یکسان است؟ شما در این زمینه با مشکلاتی مواجه بودید؟

برخی از برنامه ریزان و مسئولان کلان کشور این نگرش را ندارند که زنان توانمندیهای متفاوت اما قابل توجه و وسیعی دارند در نتیجه امکانات و تسهیلات برای مردان به مراتب بیشتر از زنان

کارآفرین است زیرا جامعه، حضور مردان کارآفرین را بیشتر باور دارند.

معتقدم زنان کارآفرین با دشواری های خاصی علاوه بر مردان کارآفرین روبرو هستند به دلیل اینکه نوع نگرش موجود نسبت به آنان چندان مثبت نیست. البته در سال های اخیر این نگرش متعادل تر و منطقی تر شده است و بسیاری از افراد نگرش عادلانه ای نسبت به توانمندی زنان و مردان دارند. برای مثال یک ماه پیش با وزیر تعاون - آقای دکتر عباسی - ملاقاتی داشتم، ایشان نگرش بسیار منطقی و واقع بینانه نسبت به زنان کارآفرین داشتند. این نگرش در آقای مهندس اسلامیان - مدیر عامل ذوب آهن اصفهان - (زمانی که کار خود را از اصفهان شروع کردم) نیز وجود داشت به طوری که با برخورد بسیار واقع بینانه و تشویق ایشان مواجه شدم. اما در مجموع زنان با دشواری‌های بیشتری روبرو هستند.

به راه اندازی مجتمع کارآفرینی هم اشاره نمایند. این مراکز چه اقداماتی در راستای کارآفرینی انجام می دهند؟

با توجه به حضور در جلسات و سمینارهای مختلف، متوجه شده ام که موج دوم بیکاری در راه است و هر روز تعداد بیشتری از جوانان نیازمند کسب شغل می شوند. به همین دلیل به اتفاق گروهی از دوستان قرار گذاشتیم مجتمع های آموزش های کاربردی تأسیس کنیم. مدت زمان دوره های آموزشی این مراکز ۳۲ ساعت است و مدارک و گواهی نامه های آن کاربردی و معتبر است. افراد در این دوره ها با استفاده کاربردی از رایانه، زبان انگلیسی و سایر مهارت های بازرگانی، تجاری... آشنایی شوند. حضور در این دوره ها محدودیت سنی و جنسیتی ندارد. افراد براساس علاقه ثبت نام می کنند و دوره ها را می گذرانند سپس با راهکارهایی که در این دوره ها فرا گرفته اند اقدام به راه اندازی کسب و کار می نمایند. هزینه دوره‌ها طبق تعرفه منطقی و معقول حدود ۲۰ هزار تومان است و برخی از آموزش ها مانند مدیریت پروژه و مدیریت منابع انسانی به دلیل انعقاد قرارداد با سازمان فنی و حرفه ای کشور رایگان هستند. پس از اتمام دوره ها، افراد می آموزند شرکت های کوچک راه اندازی کند و یکسری فعالیت های مهارتی را در قالب کسب و کار راه اندازی کنند. ضمن بهره گیری از تسهیلات وزارت تعاون، گام به گام به سمت کارآفرینی هدایت می شوند.

عده ای معتقدند ایده های کارآفرین باید تبدیل به ثروت شود و یک کارآفرین نیازی به اخذ وام ندارد. دیدگاه شما در این زمینه چیست؟ در روند فعالیت های خود تا چه میزان از وام استفاده کرده اید؟

بله با این دیدگاه موافق هستم زیرا احساس می کنم آنقدر توانمند هستم که از محل انجام مشاوره، منابع مالی به دست آورم و نیازی به اخذ وام نداشته باشم. تاکنون به جز ۴ میلیون تومان وام سازمان ملی جوانان در سال ۱۳۷۴ که سرمایه اولیه ام محسوب می شد هیچ گونه وامی دریافت نکرده‌ام و همیشه درآمدهایم را از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی و مشاوره تأمین کرده ام.